



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گرگان: خیابان امام خمینی (ره)

آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۷۶۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۲۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com

تکمیل زیرساخت برق
شهرک صنعتی اتوک ضروری است



۲

پیوستن بازیکنان
ملی پوش به تمرینات



۲

آغاز به کار ستاد اجرایی
استقبال از مهر و بازگشایی مدارس



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۲۲ شهریور ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۸ / ۲۶۴۰ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

نکوهش زهد ریایی

■ با مسوولیت سردبیر

عبادت، بخشی از دین است برای رسیدن به حقیقت که پیامبران به انسانها آموخته اند. در واقع، عبادت راهی است برای تقرب بیشتر بندگانش به درگاه خداوند و صیقلی شدن روح و روان انسانها، اما ایامی چند است که به نظر می آید، عبادت برای برخی رنگ روی و ریافتگی است و آیین هایی که باید در خدمت روح انسان برای رسیدن به قرب الهی باشد، با استحاله ای عمیق، محفلی برای خودنمایی و جلوه فروشی مدعیان دیانت شده است. دست اندکارانی که همواره یک عکاس یا فیلمبردار با خود به همراه دارند و در هر کوی و برزن از خود اطلاع رسانی می کنند. نماز می خوانند، فیلم می گیرند، دعا می خوانند، عکس می گیرند، به ضریح متبرک می شوند و ... این چنین رفتارهایی بدون شک با روح عبادت در تضاد آشکار است و بیش از آنکه رنگ ایمان و اعتقاد در آن باشد، زهد ریایی مدیران نمایشی را نشان می دهد. این رفتارها یادآور حکایت استاد سخن سعدی در گلستان است که فرمود: زاهدی مهمان پادشاه شد، چون به طعام بنشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی
کاین ره که تو می روی به ترکستان است
چون به مقام خویش آمد، سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب فراست داشت، گفت: ای پدر، باری به مجلس سلطان در طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که بکار آید. گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکرده ای بکار آید.
اینک باید به این جماعت نخواستگی نو آیین که از عبادت هم می خواهند کیسه بدوزند، گفت: عبادتتان را قضا کنید که چیزی نکرده ای که بکار آید و جناب حافظ در نقد چنین رفتارهایی می فرماید: شاه را به بود از طاعت صد ساله و زهد قدر یک ساعته عمری که در او داد کند
این روزهای ارزشمند، روزهای بازگشت به خویشتن اخلاقی است، آنها را به ریا آلوده نکنید.



مصرف متوسط کود شیمیایی
۳۵۰ کیلوگرم است

« ۸ »



قانون شفافیت مالی انتخاباتی کاندیداها
در انتخابات امسال اجرا می شود

« ۸ »



ادبیات
کودک و نوجوان

« ۵-۴ »

بن بست روز گرگان



نوشته یادورهمی برگزار می شد تا مخالفان روز بیستم شهریور، پیشنهاد روز پنج آذر را به گونه ای جدی پیگیری کردند. در این میان یک مساله حقوقی دیگر نیز توسط مخالفان بیستم شهریور طرح و پیگیری می شد و آن اینکه در چنین تصمیماتی باید شورای فرهنگ عمومی که ریاست آن با امام جمعه شهرستان و دبیری آن با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است، در این باره اظهار نظر نماید. این شورا نیز در نهایت مساله را به دانشگاه گلستان در اواخر دولت روحانی سپرد تا صاحب نظران علوم انسانی در این دانشگاه و جمعی از اهل نظر درباره نامگذاری روز گرگان پیشنهاد بدهند. در آن جلسات نیز دو دستگی درباره نام گرگان نمود داشت. علاوه بر دکتر منتظری، غلامرضا خوشفر، احسان مکتبی، رحمت الهیخ رجایی به همراه کارشناسان فرهنگ و ارشاد و تنی چند از فعالان فرهنگی در آن جلسات حضور داشتند. غلامرضا خارکوهی، پژوهشگر تاریخ انقلاب اسلامی در آن نشست ها در مقام دفاع از پنجم آذر، استدلال های خود را ارائه داد اما در نهایت پیشنهادها بر اساس الگوهای مختلف طرح شد و تصمیم گیری به اداره کل فرهنگ و ارشاد و شورای فرهنگ عمومی سپرده شد. اینک در سال ۱۴۰۲، دیگر نه روز بیستم شهریور ماه و نه پنجم آذر را به نام روز گرگان کسی به رسمیت نمی شناسد، اما در همین بزنگاه می توان پرسید چنین اتفاقی که می تواند به باور، دانایی و شعور شهروندان کمک کند و آنها را با تاریخ و هویت خود آشتی دهد...

ادامه در صفحه ۲

لهجه گرگانی! برجسته سازی محلات خاص، ادبیات و داستان نویسی با تاکید صرف بر شاخصه های لهجه گرگانی، اشعار و نغمه ها، انحصار تجلیل از نخبگان فرهنگی به نخبگان دارای خون و نژاد گرگانی و ... که به حوزه های سیاسی از طریق سازماندهی باندهای سیاسی-انتخاباتی، تاکید بر مدیریت گرگانی اصیل! در گرگان بر گرگانی!!!، سهم خواهی های انحصاری در مدیریت کلان استان، تخریب و تضعیف دیگر جریانات بومی ولو همسوی سیاسی و با تخریب خاص نیروهای غیر بومی که در بعضی موارد با بهره گیری از توان نیروهای محلی (روستاهای اصیل گرگان!!!) به حوزه های بسیار حساسی نفوذ و ... نموده اند و ... که در نتیجه اقدامات آنان شاهد انزوای سیاسی و حتی مهاجرت دیگر نخبگان از سایر اقوام به دیگر استان ها و تهران می باشیم!!!
این دیدگاه امنیتی و سیاسی، اندک اندک بر روز گرگان سایه انداخت و با جایجایی شورای شهر تلاش شد این روز به محاق رود ولی جسته و گریخته یادداشت و

جشن ها و یا نقد و نظرات متفاوت درباره لهجه ها و گویش ها و ... شد تا آنکه اندک اندک برخی به مخالفت با انتخاب این روز پرداختند. استدلال آنها نامگذاری این روز به وسیله پهلوی اول بود. حسین بیارجمندی در شهریور سال نود و چهار در پایگاه اطلاع رسانی گلستان ما نوشت: متأسفانه شاهدیم عده ای به هر دلیل و از سر ناآگاهی از پیشینه تاریخی و فلسفه سیاسی چنین تاریخی، یعنی مقطع سیاست های پاک سازی قومی-نژادی رضاخانی که البته با توجه به «ادبیات اهورا و مزدایی» و آریایی! بعضی هدایت کننده های این جریان انحرافی نمی تواند از سر ناآگاهی باشد!!!؟ و دستگاه های امنیتی، قضایی و اداری ذریط می بایست بر اساس قوانین کشور ورود و بدان رسیدگی نمایند. او ادامه داده است: بالاخص اینکه در نتیجه چنین بظاهر پروژه ای همچنانکه اشاره نمودیم در تحولات چند سال اخیر و مدیریت کنونی آنان شاهد دامن زدن به واگرایی اجتماعی در شهر گرگان تحت نوعی نژادپرستی قوم و محل گرایانه در تقابل به اصطلاح با مهاجران با تاکید بر

علیرضا صدرایی- بنا به پیشنهاد شورای نامگذاری و مصوبه سومین شورای شهر گرگان، در سال ۱۳۸۹، بیستم شهریور ماه را به نام روز گرگان نامگذاری کردند. این نامگذاری در گام نخست با اقبال کارشناسان و صاحب نظران روبرو شد. رحمت الهیخ رجایی، کارشناس تاریخ و رییس دانشنامه گلستان، در شهریور ماه ۱۳۹۶ در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی، نامگذاری روز بیستم شهریور به نام شهر گرگان را فرصتی برای معرفی گذشته این خطه از ایران دانست و گفت: باید از این امتیاز منحصر به فرد با برنامه ریزی به خوبی بهره برداری شود. رحمت الله رجایی معتقد است: تاریخ گرگان، نشانگر این است که این سرزمین از هویت و تاریخ کهن برخوردار بوده است؛ تاریخی که گاه می توان آن را عصر اساطیر یاد کرد. وی با اشاره به تاریخ و فرهنگ غنی و زیست مفاخر بسیار ارزشمند با عنوان استرآبادی در گرگان گفت: بزرگداشت روز گرگان را نباید فقط بر عهده شورای اسلامی و شهرداری گذاشت، بلکه در این راه به همراهی و مشارکت مسئولان همه دستگاه ها و نهادهای نیاز مبرم وجود دارد.
به گفته وی، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان باید در همراهی و مشارکت دستگاه ها، نهادها و سازمان ها پیشقدم شود تا گرگان در سطح ملی معرفی شود. وی همچنین بر انجام فعالیت ها در جهت معرفی هویت شهر گرگان بر پایه مسایل علمی از سوی برگزارکنندگان بزرگداشت روز گرگان تاکید دارد. بر این مبنا و با توجه به همین نگرش، چند سالی هم روز گرگان بهانه ای برای دورهمی ها،

پیوستن بازیکنان ملی پوش به تمرینات

و پس از آن پاسخگویی هواداران باشد. هاشمی با بیان اینکه مجموعه شهرداری گرگان قبل از در اختیار قرار دادن همه امکانات، حس حمایت را به تیم منتقل کرده است، گفت: نخستین چیزی که از شهرداری و شورای شهر حس کردم این است که قلبشان با تیم است و بعد هم تلاش کردند امکانات سخت‌افزاری و پتانسیل‌های خود را در اختیار تیم قرار دهند. سرمربی تیم بسکتبال شهرداری گرگان خاطر نشان کرد: بسکتبال ورزش اول گرگان و این تیم متعلق به مردم این شهر است. در ایران چنین هوادارانی نداریم. سرمربی و بازیکنان می‌آیند و می‌روند بنابراین نباید از آنها تابو بسازیم. هر پیروزی و شکستی به یک نفر ختم نمی‌شود بلکه به همه برمی‌گردد. این یک کار جمعی است. و همه در برد و باخت‌ها شریک هستند. به‌طور قطع امسال هم هواداران بسکتبال، حمایت لازم را از تیم شهرشان انجام خواهند داد و من نیز همه تلاشم را می‌کنم تا شرمنده هواداران نشوم.



وی در ادامه با اشاره به جذب دو بازیکن خارجی به تیم بسکتبال شهرداری گرگان اظهار کرد: عنوان کردن پیش از موعد و شتاب‌زده بازیکن خارجی به نفع تیم و باشگاه نیست. باید منتظر بمانیم بازیکن خارجی وارد ایران شود و تست پزشکی بدهد. به هر حال سعی می‌کنیم بازیکن خارجی که جذب می‌کنیم در وهله نخست جوابگوی تیم و باشگاه

تاکتیکی، زمان کمی در اختیار داریم. وی ادامه داد: همه تلاش خود را انجام می‌دهیم تا برای اول آبان که بازی‌های لیگ شروع می‌شود، آمادگی نسبی خوبی داشته باشیم. هاشمی درباره شروع بازی‌های سوپرلیگ بسکتبال غرب آسیا هم گفت: بازی‌ها از ماه اکتبر شروع می‌شود اما هنوز تاریخ دقیقی برای آغاز بازی‌ها اعلام نشده است.

سرمربی تیم بسکتبال شهرداری گرگان با بیان اینکه تمرینات تیم از دو هفته قبل آغاز شده است، گفت: سه بازیکن ملی پوش این تیم از ۱۵ مهر به تمرینات تیم اضافه می‌شوند. به گزارش مهر، سید مصطفی هاشمی اظهار کرد: تمرینات تیم از دو هفته قبل آغاز شد و اکنون در غیاب بازیکنان ملی‌پوش با دیگر بازیکنان در حال انجام هستیم. سرمربی تیم بسکتبال شهرداری گرگان با اشاره به اینکه اکنون تمرینات با آذری، یوسف‌وند، منجی، قلی‌زاده، شیخی، کلاسنگیانی، علی‌اکبری در حال انجام است، گفت: ارسال کاظمی، نوید رضایی‌فر و سینا واحدی که بازیکنان ملی‌پوش تیم هستند نیز بعد از ۱۵ مهر به جمع بازیکنان تیم اضافه می‌شوند. وی بیان کرد: تقریباً همه تیم‌های مطرح شرایط مشابهی دارند و با توجه به نبود بازیکنان ملی‌پوش، مجبوریم به صورت کج‌دار و مریز تمرینات را پی بگیریم. هرچند بازیکنان در تمرینات از نظر جسمانی به آمادگی خوبی می‌رسند اما برای انجام کارهای

ادامه تیر اول

بن بست روز گرگان

گرفتار کشمکش‌های بی دلیل و اتهام زنی‌های نابخردانه شده و می‌شود؟ البته درباره نام گرگان و بیستم شهریور حرف و حدیث‌های مختلفی وجود دارد. از جانبی، پنجم آذر هم به دلیل ماهیت این روز اصولاً نمی‌تواند انتخاب خوبی برای نامگذاری باشد، پس چه باید کرد؟ یکی از پیشنهادات آن جلسه این بود که باید با نظر خواهی از اهالی فرهنگ و هنر و فعالان اجتماعی و فرهنگی، یک روز را به نام گرگان انتخاب کرد تا نظر همه نخبگان لحاظ شود که گویا با تغییر دولت، آن نیز به فراموشی سپرده شد و این در حالیست که نامگذاری یک روز خاص به نام یک شهر می‌تواند به گردشگری، معرفی و شناسایی ظرفیتها، توانمندی‌ها و... در نهایت به ارتقای آن شهر کمک کند. گلستان می‌تواند به اندازه شهرستانها روز داشته باشد. روز گمشان، روز گنبد، روز آق قلا، روز مینودشت و... تا شهروندان با سنن، آداب، تاریخ و... بیشتر آشنا شوند. این فرصتها را باید قدر دانست و از آن بهره برد.

گلشن مهر باب گفت و گو در این باره را باز نگه میدارد و پذیرای نقد و نظرهای صاحب نظران خواهد بود.

خبر

تکمیل زیرساخت برق شهرک صنعتی اترک ضروری است



استاندار گلستان بر لزوم تکمیل زیرساخت‌های برق شهرک صنعتی اترک از طریق ظرفیت نیروگاه برق علی‌آبادکتول تاکید کرد و گفت: تخصیص تعهدات مورد نیاز اجرای این طرح می‌تواند به تسریع در توسعه صنعتی استان کمک شایانی کند. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در دیدار با عباس علی‌آبادی وزیر صنعت، معدن و تجارت از وزارت صمت خواست با تامین بخشی از اعتبارات مصوب سفر اول رییس جمهور نسبت به تکمیل تصفیه خانه شهرک‌های صنعتی گنبدکاووس، آزادشهر و ناحیه صنعتی آقچلی اقدام کند. در این دیدار مقرر شد وزارت صنعت، معدن و تجارت همکاری لازم را برای ایجاد و راه‌اندازی پایگاه امداد و نجات برای معادن زغال سنگ را با گلستان داشته باشد. استاندار گلستان در این جلسه خواستار تخصیص تسهیلات و تامین مالی پرونده‌های صنعتی استان از محل طرح‌های تام، تبصره ۱۸ و صندوق توسعه ملی شد. در این جلسه مقرر شد روند صدور مجوزهای اکتشاف و بهره‌برداری در حوزه‌های زغال سنگ، بوکسیت و صدف کوهی تسریع شود.



تجدید آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به واگذاری تبلیغات محیطی سطح شهر (پل‌های هوایی) را با مبلغ برآورد اولیه سال اول ۴۷/۱۲۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۶۱/۳۳۳/۶۰۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۱۰۸/۴۹۵/۶۰۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه‌ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط و اگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند.

نوع سازه	تعداد سازه	جمع کل	جمع کل	مبلغ کل اجاره	آدرس مکان
پل	سال اول ریال	سال دوم ریال	سال اول ریال	در سال ریال	
۲۷	۴۷/۱۲۲/۰۰۰/۰۰۰	۶۱/۳۳۳/۶۰۰/۰۰۰	۱۰۸/۴۹۵/۶۰۰/۰۰۰	نسبت آدرس در ستاد فرهنگ و ارشاد اسلامی	ستاد بارگذاری ترابری

سیدمحمدرضا سیدالنگی - شهردار گرگان

شناسه آگهی ۱۵۶۶۱۳۹



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به احداث دیوار سنگی ۵ متری حاشیه رودخانه عدالت ۵۶ (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۲۱/۲۲۶/۱۹۰/۷۳۷ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و رسته کاری ابنیه - راه باند از محل ردیف ۲۱۰۳ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ لغایت مورخه ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

سیدمحمدرضا سیدالنگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۵۶۵۹۲۲

بخش اول



زندگی



مهدی سیف حسینی _ فاصله بین تولد تا مرگ، زمانی هست که گذر آن زمان را زندگی می گویند. طول این زمان متفاوت است و برای انسان ها از آغاز خلقت تا امروز این طول بطور متوسط تغییر کرده و از ۳۵ سال به حدود ۱۰۰ سال رسیده است. علت این افزایش نیز پیشرفت علوم در زمینه پزشکی می باشد و خدمات گسترده ای که علم پزشکی در شاخه های مختلف به انسان نموده بطرز شگفت انگیزی آنقدر گسترده هست که امروز طول زمان زندگی را به سه برابر افزایش داده است. شناخت آدم ها در این زمینه از یکسو و میل به بیشتر ماندن در این جهان و آن غریزه جاودانگی که در همه انسان ها وجود دارد و به آنجا رسیده که امروز اکثر آدم ها میزان قند خون، کلسترول، فشار خون و ... خود را دقیقاً می دانند و نیز حتی دستگاه های مختلف تنظیم کردن میزان چربی، قند، نمک و ... را در منزل دارند. با این حال میزان زمان قابل استفاده برای زندگی هر فرد انسانی متفاوت است. همانطور که در سایر پدیده های هستی چنین است. بدین معنا که شما یک سنگ فسیلی را در گوشه ای از کره خاکی پیدا می کنید که میلیون سال عمر دارد. یا گیاهان که برخی عمری چند ماهه دارند و برخی همچون درختان عظیم، عمری چند قرن را بخود اختصاص داده اند. در میان

حیوانات هم چنین است. برخی حشرات و پروانه ها عمری چند روزه دارند اما می گویند کلاغ ها تا ۴۰۰ سال عمر می کنند. یعنی اینکه مقدار زمان در اختیار هر فرد متفاوت است و طول آن به شرایط خاص اقلیمی، جغرافیایی، طبیعی و ژنتیک بستگی دارد. اما آنچه مهم است و مدنظر باید قرار گیرد، کیفیت این زمان است. اینکه بخصوص انسان ها از زمانی که در اختیار دارند، چگونه باید بهره وری کنند و از آن استفاده نمایند. برای انسان ها استفاده از این زمان را زندگی تعریف کرده اند.



خبر

آغاز به کار ستاد اجرایی استقبال از مهر و بازگشایی مدارس



معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری گرگان گفت: در راستای ارتقاء فرهنگ عمومی بهداشت و با هدف ایجاد تحرک، شادی و نشاط در مدارس، طرح استقبال از بازگشایی مدارس به طور رسمی از ۲۰ شهریور در شهرداری گرگان آغاز شده است. به گزارش روابط عمومی، احمد سالاری با اعلام این خبر اظهار داشت: در اجرای این طرح، تمامی مدارس و محوطه اطراف آنها و همچنین مسیرهای منتهی به مدارس شهر گرگان شستشو، نظافت، پاکسازی می شود. وی ادامه داد: جمع آوری ضایعات، خاک و نخاله محوطه بیرونی و درونی مدارس، خط کشی های ترافیکی اطراف مدارس، لکه گیری و آسفالت نوارهای حفاری، شستشو و رنگ آمیزی باکس های زیاله از جمله اقدامات این طرح است. سالاری گفت: این طرح تا پایان شهریور در قالب اقدامات ستاد اجرایی استقبال از مهر و بازگشایی مدارس با فعالیت ۶ گروه در سطح شهر گرگان فعال خواهد بود. وی خاطرنشان کرد: در این طرح از ظرفیت تمامی واحدهای مدیریت شهری شامل واحد سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی، سازمان حمل و نقل، بار و مسافر، معاونت زیربنایی حمل و نقل و ترافیک سازمان سیما منظر و فضای سبز، زیباسازی و حوزه معاون محیط زیست و خدمات شهری استفاده خواهد شد.



دستگیری عامل توزیع مواد مخدر در گرگان

فرمانده انتظامی شهرستان گرگان از دستگیری عامل توزیع مواد مخدر در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سرهنگ علی تجری اظهار کرد: با اشراف اطلاعاتی مأموران کلاتری ۱۳ شهید رجایی گرگان یکی از عوامل تهیه و توزیع مواد مخدر شناسایی شد. وی افزود: مأموران کلاتری ۱۳ به همراه مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر با اقدام اطلاعاتی و شناسایی دقیق محل مورد نظر طی هماهنگی قضائی در بازرسی از منزل موفق به کشف مقدار ۳۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر شدند که در ادامه یک نفر قاچاقچی نیز دستگیر و جهت سیر مراحل قانونی به مقر انتظامی دلالت شد. فرمانده انتظامی شهرستان گرگان با اشاره به اینکه متهم پس از تکمیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شد، خاطرنشان کرد: برخورد با قاچاقچیان و سوداگران مرگ در دستور کار پلیس قرار دارد شهروندان می توانند هرگونه اخبار و اطلاعات خود را پیرامون این موضوع از طریق تلفن ۱۱۰ و هرگونه انتقاد، تقدیر و تشکر را از سامانه ۱۹۷ به پلیس اطلاع دهند.



آگهی مزایده



شرکت زمزم گرگان در نظر دارد

ضایعات خط تولید خود را از طریق مزایده عمومی و با تنظیم قرارداد برای مدت معین به فروش برساند متقاضیان واجد شرایط می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و همچنین دریافت برگ شرایط مزایده از تاریخ انتشار آگهی تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۰ روز دوشنبه به شرکت مراجعه نموده و نسبت به دریافت برگ شرایط مزایده و تحویل پاکت اعلام قیمت اقدام نمایند جلسه مزایده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ روز چهارشنبه برگزار می گردد.

- ۱- پت بطر شفاف ۲- پت بطر رنگی ۳- نایلون شفاف ۴- نایلون کشی ۵- نایلون رنگی ۶- کارتن و کاغذ ۷- پرفرم رنگی ۸- پرفرم شفاف ۹- کیسه شکر ۱۰- گالن ۴۰ لیتری ۱۱- کیسه پرفرم کوچک ۱۲- لوله بوبین پلیکا ۱۳- لوله بوبین کارتنی ۱۴- بشکه فلزی ۲۲۰ لیتر ۱۵- نان خشک ۱۶- تخته پالت ۱۷- قوطی فلزی ۱۸- گالن ۱۰ لیتری ۱۹- گالن ۲۰ لیتری ۲۰- گالن ۲۵ لیتری ۲۱- گالن ۵۰ لیتری ۲۲- شکر ۲۳- شل خورد شده زرد ۲۴- شل خورد شده رنگی (کلیه اقلام ضایعاتی می باشد).

ضمناً شرکت در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار می باشد، مدارک جهت شرکت در مزایده اصل کارت ملی و مبلغ سپرده الزامی می باشد.

آدرس شرکت: گرگان - کیلومتر ۸ جاده گرگان گنبد - ابتدای جاده روستای اصفهان کلاته - شرکت زمزم گرگان

شماره تماس: ۰۹۱۱۶۴۴۵۳۵۶ - ۰۹۳۶۶۲۹۶۸۶۴ - رایجی

شرکت زمزم گرگان



تجدید آگهی مزایده عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به واگذاری تبلیغات محیطی سطح شهر (بیلبورد) را با مبلغ بر آورد اولیه سال اول ۳۸/۰۴۹/۶۰۰/۰۰۰ ریال و برای سال دوم ۴۹/۴۶۴/۴۸۰/۰۰۰ ریال و جمع کل دو سال ۸۷/۵۱۴/۰۸۰/۰۰۰ ریال به تفکیک سازه ها و آدرس (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکتها یا کانونهای تبلیغاتی دارای مجوز فعالیت از مراجع ذیصلاح (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) می توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ لغایت مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۵ به آدرس اینترنتی WWW.setadiran.IR مراجعه نمایند. تلفن تماس: ۰۱۷۳ ۲۲۴۰۷۵۲

نوع سازه	تعداد عدد پایه	جمع کل سال اول ریال	جمع کل سال دوم ریال	مبلغ اجاره دو سال ریال	آدرس مکان
بیلورد	۱۴	۳۸/۰۴۹/۶۰۰/۰۰۰	۴۹/۴۶۴/۴۸۰/۰۰۰	۸۷/۵۱۴/۰۸۰/۰۰۰	لست آدرس در سطح شهر در سامانه ستاد بارگذاری گردیده

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان

شناسه آگهی ۱۵۶۶۱۴۱

یادداشت

تا حالا شده که از دست کسی آن قدر عصبانی شوید که با خود بگویید: «به خدا دلم می خواد بکشمش»؟ یا مثلا به دوستی که با او خودمانی هستید، به حالت شوخی بگویید: «به خدا اگه دستم بهت برسه! می کشمت!» چرا قسم؟ چرا کشتن؟ بیاید این عادت قسم خوردن را از کلام دور کنیم. معلم از دانش آموز می پرسد: «دفترت کجاست؟» و دانش آموز با نگرانی پاسخ می دهد: «اجازه به خدا توی کیفمون گذاشته بودیم، همه تکالیف هم به خدا نوشته بودیم. ولی الان نیست!» امیدوارم هرگز بی دفتر و تکلیف در مدرسه نباشیم! اما اگر هم این حالت پیش آمد، لزومی به قسم نیست. جمله ها را تغییر دهیم و دلیل و عذری دیگر بیآوریم. البته بدون قسم! و اما مساله کشتن! به گفته شکسپیر: «بودن یا نبودن؟ مساله این است!» قرار نیست که کشتن، مساله ما انسان ها باشد. بیاید تا دیر نشده و مانند آدم بزرگ ها به کارهای عجیب عادت نکرده ایم، دست از کشتن آدم ها در ذهنمان برداریم. فانتزی کشتن آدم ها تا حدودی طبیعی است و احتمالا هر فردی این را در ذهن خود تجربه کرده است. به عقیده روانشناسان این حس در مواقع خاص ممکن است به ما کمک کند که عملکرد بهتری در کنترل خشم خود داشته باشیم. پیشنهادهای خود را برای انتخاب جمله های جایگزین با ما در میان بگذارید.



ترانه محمدی

شکل هندسی، مثلث
من سه گوشم، یعنی سه گوشه دارم
یاد میگیری اسمم و رسم و کارم
مثلته اسم من آی بچه ها
مسلسل و نگین من که نیستما
اون اسلحه ست، اما من، به سه گوشم
نه گریه ام نه حتی مثل موشم
سه گوش، مته تابلوی راهنمایی
با علامت، بهت میگه کجایی
بعضی سه گوش ها، پاهاشون درازه (متساوی الساقین)
هر دو تا پا، یکی و یه اندازه
اما یه دونه از پاهاش کوتاهه
بین دو تا ضلع، با اونا همراهه
آهان، نگفتم، ضلع یعنی همون پا
به همدیگه میرسن تو گوشه ها
دو تا مثلث جفت هم بذاری
می بینی با هم، یه چار گوشه (مستطیل) داری
گاهی سه تا پاش، یه اندازه هستن (متساوی الاضلاع)
با مهربونی یه گوشه نشستن
اگه دو تا شو پیش هم بذاری
حتما، یه چار گوش، میشه در بیاری
هم شکل لوزی رو دارین بچه ها
هم مستطیل کج، نشسته اونجا (متوازی الاضلاع)
یه مدل دیگه ش، کج و معوجه (مختلف الاضلاع)
هر یکی از پاش یه جور، انگار لجه
اگه دو تا، کنار هم بذاری
شکل های جور و اجوری در میاری
بادیون کشتی و کوه های تیز
بال هواپیما، قایق تمیز
مستطیل کج، متوازی اضلاع (متوازی الاضلاع)
دوباره پیدا می کنین بچه ها
حتی یه فرفره میشه درست کرد
یا پشت بوم و یا پاکت پست کرد

دهکده ای که
بی پول نداشت!

سیده فاطیماعقلی

روزی یک ماهیگیر جوان به نام جان در حال ماهیگیری بود که قلاب ماهیگیری اش به یک گردنبند طلا گیر کرد. جان که باورش نمی شد! با هیجان طلا را بررسی کرد. او بسیار ساده دل بود و مهربان. پس به تمام مردم در مورد طلا گفت. همه برای پولدار شدن و زندگی بهتر به رودخانه رفتند و دست به کار شدند. آنقدر طلاها زیاد بودند که به همه مقدار زیادی رسید. هر فرد به اندازه ی یک کیسه ی پر، طلا داشت. حالا همه پولدار بودند. دیگر کسی کار نمی کرد یا زحمت نمی کشید. کم کم همه گرسنه شدند و از گرسنگی بیمار. چون کسی نبود که کشاورزی کند یا غذا و میوه بفرشد و پزشکی که بیماری را درمان کند. حتی جان هم به بیماری مبتلا شده بود. حالا مردم دهکده متوجه شده بودند که پول و طلا هیچ ارزشی در زندگی ندارد. درست است که ثروتمند می شویم اما ثروت از زندگی و سلامتی مهم تر نیست و همه باید کار کنند تا ثروتمند شوند. ماجرای طلاها هم از یک دزد دریایی شروع می شود که می خواست یک روزه دنیا را فتح کند و با بدی پولدار می شود اما به دلیل سنگینی طلاها و سکه ها، کشتی اش غرق می شود و به عمق رودخانه می رود. هیچ وقت طلا را با ارزش تر از عمر ندانیم.

بگذار برقصاند باد نخ به نخ پارچه را.
همان گاه بایست
گیسوانت را از بند رها کن
بگذار نفسی تازه کند
باز هم بچرخ
آن قدر بچرخ که باد لا به لای مردمک هایت برود
بسوزاندش و اشک بریزد.
بگذار اشک هایت هم از بند رها شوند
می خواهی بنشین به فکر میان دشت
و می خواهی فریاد بزنی
و نخواستی اشک بریز
و آن آخر تو باخته ای به لبخند
تو را می گویم
تو باید
لبخند بزنی!
نمی دانم می خواهی لبخند با گیسوی رها بزنی
یا گیسوی گیس شده؟
تو لبخند خواهی زد!

بعضی اوقات



هلیمیر سیدعبیری

بعضی اوقات واقعا خسته میشم. نه از درس خواندن. نه از نقاشی کشیدن. نه از مطالعه کردن. هیچکدام! بعضی اوقات از خود زندگی کردن خسته می شوم. بعضی اوقات انسان وقتی به مسیر طولانی و تاریک خود ادامه می دهد، بدون هیچ آمادگی و خبری به زمین می افتد. و من این را تجربه کردم؛ ولی من بلند شدم. درست، زمین می خوردم و پا میشدم. زمین می خوردم و پا می شدم. زمین می خوردم و پا می شدم... و تا آخر. ولی، ولی ایندفعه نتوانستم پا شوم و انگاری متوقف شده ام، البته فعلا! می دانم شرایط من فعلی است ولی چه جوری این دفعه پا بشوم؟! انگار این دردم با تمام دردهایم فرق دارد. انگار این مشکلم با تمام مشکلاتم فرق دارد. انگار این ناراحتی هایم با تمام ناراحتی هایی که قبلا داشتم، فرق دارد. هر چیزی که فکرش را می کنید؛ تغییر کرده است. انگار دیگر کسی از ته قلبش نمی خندد. یک سوال دیگر هم دارم. کلید گشایش این مشکل کجاست و چطوری می توانم این کلید را پیدا کنم. میدانی عجیب تر از این چیست؟
اینکه این چند روز نه فقط من، خیلی از مردم مثل من ناراحت هستند! شاید کلید مشکلم خودم هستم. شاید باید با واقعیت رو به رو بشوم. اینکه هیچکس من را نجات نمی دهد. من را هیچکس قرار نیست از گودال بکشد بالا؛ من باید خودم خودم را نجات دهم. بله، کلید من این است. و من تا حد توانم برای خودم می جنگم؛ نه اینکه بخوام خود قلیلی ام را بسازم؛ خیر! می جنگم که یک فرد قدرتمندتری از خودم بسازم! مشکلات من را قوی تر نمی کند، بلکه برایم تجربه می شود تا اگر دوباره تجربه اش کردم ایندفعه راحت تر از پیش بر بیایم. همیشه سعی کردم خودم را گول نزنم و هی نگویم: «درست می شود» یا «صبر می کنم».
این اشتباه است. بیشتر خودت را گول میزنی و آن مشکل بیشتر در قلبت می ماند و بزرگتر می شود؛ من فقط تلاش کردم که درستش کنم و حتی همین الان هم دارم تلاش می کنم. می دانم این همه تلاش بیهوده نیست. می دانم که این کلید اسرار من است، می دانم. این راز موفقیت من است! شاید باید فقط و فقط بعضی اوقات به جای گول زدن خود دنبال راه حل مشکلاتم بگردم.

دو دوستی



حلمارسولی

صبح یک روز بهاری، فاخته ای به دنبال لانه بود. فاخته ی ما نامش کوکو بود. خانم کوکو چشمش به سوراخ میان درخت افتاد. ناگهان دید که باران نرم نرمک می بارد. رفت توی سوراخ و دید که یکی آنجا زندگی می کند. هر چه صاحبخانه را صدا زد، جوابی نشنید. انگار که بیرون رفته بود. صاحب خانه زیره بود، کلاغ نوک طلایی که خیلی باهوش بود. در همین لحظه سنجاب هم وارد خانه شد. خانم کوکو گفت: «سلام سنجاب! تو میدونی اینجا کجاست؟» سنجاب گفت: «نه». زیره وارد خانه خودش شد و دید دو نفر دارند تلویزیون نگاه می کنند. زیره آنها را صدا زد و گفت: «شما کی هستید؟ توی خونه من چه کار می کنید؟» آن دو خود را معرفی کردند و گفتند: «ما لانه ای نداریم». زیره گفت: «چرا بی اجازه وارد خانه ی من شدید و به وسایلم دست زدید؟» آن دو گفتند: «بارون میومد ما هم لانه و غذا نداریم. به خاطر همین اومدیم اینجا. ببخشید. میشه بمونیم؟ تا بارون بند بیاد. زیره قبول کرد. آنها نشستند و شروع به صحبت کردند و کلی خاطره تعریف کردند. باران بند آمد. زیره گفت: «می خواهید با من زندگی کنید؟ من، توی این خونه ی بزرگ تنهام». آنها هم با شادی فراوان قبول کردند و برای همیشه پیش هم ماندند.
هم ناهار خوشمزه ای که مامان بزی درست کرده بود را خوردند و سفره را جمع کردند و همگی نشستند دور مادر بزرگ. و مامان بزرگ بزی شروع کرد به تعریف داستان:
یکی بود یکی نبود. غیر خدای مهربون هیچ کی نبود. تو دشت بزرگ که همه زندگی می کردند؛ خانواده «هاپی» بودند و خانواده «پیشول». همیشه با هم دعوا داشتند. اما بچه هایشان با هم دوست بودند. خانواده هایشان نمی دانستند. مامان پیشی به کیت کت می گفت: «با هاپولی دوست نشی اونو دشمن ما هستن!» ولی کیت کت می گفت: «اون دوست خوبیه!» خلاصه یک روز که بچه ها به مدرسه می روند، موقع برگشت مامان کیت کت نتوانست دنبال بچه اش برود. هاپولی برای اینکه کیت کت نترسد و کسی اذیتش نکند، کنارش ماند؛ تا اینکه مادر کیت کت آمد و دید که هاپولی مراقب کیت کت

شاهنامه بخوانیم



آزاده حسینی

*به جایی که سیمرغ را خانه بود بدان خانه این خرد بیگانه بود
*چو سیمرغ را بچه شد گرسنه به پرواز بر شد دمان از بنه
*فرود آمد از ابر سیمرغ و چنگ بزد برگرفت از آن گرم سنگ
ببردش دمان تا به البرز کوه که بودش بدانجا کنام و گروه

یکی از مهم ترین موجودات در ادبیات پارسی، سیمرغ است. سیمرغ در اوستا، پرنده ای فراخ بال است که بر درختی درمان بخش آشیان دارد و در بردارنده تخم همه گیاهان است. در حماسه شاهنامه فردوسی، سیمرغ دو چهره متفاوت دارد. یکی چهره یزدانی در داستان زال، و دیگر چهره اهریمنی در خوان پنجم از داستان هفت خوان اسفندیار. نخستین بار در شاهنامه فردوسی، زال که نوزادی سپیدموی بود در صحرا راه می شود و سیمرغ به سبب مهری که خدا در دلش افکنده زال را به آشیانه خود در کوهستان البرز می برد و می پرورد. زمانی که زال نوجوان به آغوش خانواده باز می گردد؛ سیمرغ پری از خود به زال می دهد تا زمان نیاز و سختی آن را به کار گیرد. هنگام تولد رستم، فرزند زال، سیمرغ به یاری اش می آید. در جنگ رستم و اسفندیار نیز سیمرغ به یاری رستم می آید و روش مغلوب ساختن اسفندیار را به او می آموزد و بعد زخم هایش را مداوا می کند. در سایر کتاب ها نیز نام سیمرغ آمده است. سیمرغ در کتاب منطق الطیر عطار، چهره ای عرفانی و کاملاً متفاوت از شاهنامه فردوسی دارد. منطق الطیر، داستان گروهی از پرندهگان است که به رهبری هلدبه به کوه قاف می روند.



فهیمه زرگری

باشنیدن نامش از جای برخاست. تمامی حاضران آن جمع برایش دست میزدند و تشویقش میکردند. با غرور به سمت جلو حرکت میکرد. هر قدمی که برمی داشت از خود و خدای خودش تشکر میکرد. به خودش افتخار کرد که توانست با آن همه سختی و مشقت به اینجا برسد. اینجا همان جایی بود که سال ها قبل برایش آرزو بود. حالا مانند جمله کتاب ها: آرزو برایش خاطره می شود. گام های استوارش نشان از مقتدر بودنش می داد. هرکسی با حالتی به او نگاه میکرد اما برای او این چیزهای پیش پا افتاده مهم نبود. مهم این بود که تمامی آن رنج هایی که طی سالها کشیده بود بالاخره به پایان رسید. لیکن از روی رضایت بر لبانش نقش بست و چشمانش را برای لحظه ای بست؛ با خود گفت: به پایان رسید دوران سختی و مشقت؛ حال، بهترین ها را رقم خواهیم زد گرچه راهی که پیش رویم بود آسان نبود اما من توانستم از پس پیچ و خم های این جاده زندگی برایم و حال به اینجا برسم. خدایا شکرت!

منتظر برگشتش باشی و الان منتظر جنازه اش! خدا به همراهت سپرم! مهربانم که دست خدا امانت، تو رو هم به اون بالا سری می سپرم!

جبهه



فائزة رسولی

در سالن انتظار منتظر بود. نگاهی به او انداختم؛ نوجوان شانزده ساله و جبهه؟ وقتی نوبتش شد با هم به داخل رفتیم. سرگرد به جبهه ی کوچکش نگاه کرد و گفت: «میخواهی جبهه بری؟» پسر، صدایی در گلو انداخت و گفت: «بله!» سرگرد گفت: «تو که هنوز به سن قانونی نرسیدی. نمیتونی جبهه بری!» پسر با همان صدای به گلو افتاده گفت: «من بیست سالمه، فردا پس فردا میخوان برام زن بستون!» سرگرد خندید و گفت: «نمی شود. پسر با همان صدای به گلو انداخته گفت: «آقا تو رو به مولا علی بذار برم.» سرگرد مبهوت مانده بود. پسر شانزده ساله از دفاع چه می دانست؟ سری تکان داد و گفت: «باشه امضا می کنم.» پسر را عازم به خط بیست و سه کردیم. بعد از رفتن عبدالرضا، سرگرد رو به من کرد و گفت: «مثل چشمش از این پسر نوجوان مراقبت کن! اینارو سپردم دست تو آقا مهدی!» دستم را به نشانه ی اطاعت بالا آوردم و گفتم: «به رو چشم.» فردای آن روز همه ما عازم بودیم. غصه ها را جارو کردم. دلتنگی را شستم و آویزان کردم. یک روز در پادگان بودیم تا بچه های حسینی را برای جنگ حاضر کنیم. بعد از چند روز بچه ها برای جنگ حاضر شدند. فردای آن روز، نگاهی به عبدالرضا کردم. تنگ را در دستان کوچک خود گرفته بود و نام حسین را بالای سرش داشت. به او نزدیک شدم و گفتم: «عبدالرضا، این شوخی نیست! جنگ است. ممکن است بمیری!» عبدالرضا گنگ مرا نگاه می کرد. گفتم: «آرزویت چیست؟» گفت: «شهادت!» گفتم: «جبهه ی کوچک و آرزوهای بزرگ؟»

گفت: «بله آقا! چی بهتر از این که در راه اسلام و برای دفاع از خاک سرزمینت بجنگی؟» گفتم: «نمی ترسی؟» گفت: «نه آقا مهدی ترسیدن واسه دشمنه!» روی یا حسین سرش بوسه ای زدم و گفتم: «دوره خدام بگردم که همچین بنده ای داره!» رفتیم پشت تپه ها. همه ی بچه ها سینه خیز حرکت می کردند. حتی ما هم آنقدر نمی توانست خوب سینه خیز بروم. دشمن با تانک و ماشین آلات، اما ما دست خالی بودیم. اتکای اصلی دشمن ماشین آلات بود. اما اتکای ما خداوند متعال بود. بسم الله رحمان رحیم. میان گلوله ها گیج و گنگ بودم. صدای گلوله ها مانند هزار تویی بود که گوشم را بارها و بارها می پیچاند. در چشمانم فقط عبدالرضا بود. درد می کرد، قلبم را دشمن شکافته بود. عبدالرضا آمد بالای سرم و گفت: «آقا مهدی! آقا مهدی! آقا مهدی بلند شید! شما نباشید ما چیکار کنیم؟» نگاهی بهش کردم. با صدایی که دیگر نای حرف زدن نداشت، گفتم: «دور خدام بگردم!» عبدالرضا چشمانش پر از اشک شده بود و گفت: «آخه چرا پریدید جلو!» از مدار کنار چشمش دستی کشیدم و گفتم: «مرد که گریه نمی کنه! آقا محمد تو رو به من، من هم تو رو به خدا می سپارم!» مادر آقا مهدی هر روز چشم به راه پسرش است. بنده خدا نمی دانست پسرش شهید شده. یک روزی یکی گفت: «عبدالرضا تو به مادرش بگو، بنده خدا تو سینه ش قلب نموند آنقدر انتظار کشید!»

با قدم هایی پر از غم، به سوی مادر آقا مهدی رفتم و گفتم: «سلام مادر!» مادر آقا مهدی با لبخندی که محو بود گفت: «سلام گل پسر، خبری از مهدی آوردی برام؟» از شرمندگی دستی میان موهایم کشیدم و گفتم: «آقا مهدیتون به آرزوش رسید مادر! الانم دست خدا امانته!» مادر آقا مهدی گفت: «می دونی چی توی زندگی یه مادر تلخه؟» گفتم: «چی مادر؟» گفت: «اینکه آرزوی پسرش شهید شدن باشه و آرزوی تو، دومادیش! اول



است و هر دو با هم منتظر ایستاده اند. آنجا بود که گفت: «وای من زود قضاوت کردم.» از آن روز به بعد اجازه داد کیت کت باها پولی دوست بماند.

در پایان داستان، بچه ها با خوشحالی دست زدند. مامان بزرگ بزی گفت: «انتخاب دوست خوب خیلی مهمه و باید دقت کرد. ولی یادتون باشه در مورد کسی زود قضاوت نکنید!»

دوست های چندین ساله



ویانا روح افزایی

یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود، موشی و خرگوشی داشتند با هم بازی می کردند. آنها چندین سال بود که با هم دوست بودند. یکی از روزها توی بازی قایم باشک، موشی تقلب کرده بود به همین دلیل این دو دوست با هم قهر کرده بودند. یک روز مادر خرگوشی رفته بود خونه موشی. مادر موشی و مادر خرگوشی داشتند با هم صحبت میکردند که دیدند بچه ها با هم حرف نمی زنند. هر دو سرشون تو گوشه بود. مادر خرگوشی پرسید: «بچه ها چرا بازی نمی کنید؟» خرگوشی با طعنه گفت: «مامان جون می ترسم موشی تقلب دیگه ای کنه»

مادرها سعی کردند که آنها را دوباره آشتی دهند. اما آنها آشتی نمی کردند که نمی کردند. مادرها خیلی سعی خودشان را کردند و بی خیال شدند. یک روز مادر موشی بچه ها را صدا زد و کنار هم نشانند تا آشتی دهد. اما باز هم آشتی نکردند و گفت: «به قول سعدی: دوستی را که به عمری فراچنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند. شما دوست های چندین ساله هستین. شما از بچگی با هم بودید. الان به خاطر یک تقلب کردن با هم قهر کردید؟ مگه میشه؟ مگه داریم؟ زود باشین آشتی کنین!» بچه ها به کارهاشون فکر کردند و دیدند که حرف های خانم موش موشی درست است. خلاصه این ها هم آشتی کردند و دیگر سر چیزهای مسخره با هم قهر نکردند.



مصرف متوسط کود شیمیایی ۳۵۰ کیلوگرم است



کودهای غیر تکلیفی که یارانه ندارد برگزار می شود، افزود: ۵۴ نوع کود غیر تکلیفی داریم که ۶۴ نوع کود در سبد شرکت خدمات حمایتی قرار می گیرد. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان با اشاره به اینکه در دهه ۹۰ متوسط مصرف کود کشور ۱۱۹ کیلوگرم و الان ۱۷۰ کیلوگرم است، گفت: در حال حاضر استان گلستان در زراعت گندم، جو، کلزا و چغندر قند به عدد ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلوگرم رسیده است. وی یادآور شد: سعی داریم مصرف کود برای همه زراعت و باغات در هر یک هکتار به ۴۰۰ کیلوگرم برسد. ضیایی اظهار کرد: با پیگیری های انجام شده به تمام محصولات زراعی در الگوی کشت استان کود یارانه ای تعلق می گیرد. وی با اشاره به اینکه ۱۰ درصد گندم کشور توسط استان گلستان تولید می شود، افزود: ۶ درصد نهاده های کشور توسط استان تهیه می شود که سعی داریم این رقم را در سال جاری به ۸ درصد و در سال ۱۴۰۳ به ۱۰ درصد برسانیم. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: اکنون سهمیه کودی یارانه ای یا تکلیفی استان ۱۸۳۵ هزار تن است اما استان درخواست ۲۵۰ هزار تن را از وزارتخانه دارد.

سیدصمد ضیایی، در همایش آموزشی ترویجی و معرفی سبد کود، اظهار کرد: حدود ۱۰ کود تکلیفی و ۵۴ کود غیر تکلیفی داریم که کودهای غیر تکلیفی شمال یارانه نمی شوند. وی با اشاره به اینکه این همایش ها در خصوص

مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان با اشاره به اینکه متوسط مصرف کود کشور ۱۷۰ کیلوگرم است، گفت: گلستان در زراعت گندم، جو، کلزا و چغندر قند به عدد ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلوگرم رسیده است. به گزارش مهر،

خبر

قانون شفافیت مالی انتخاباتی کاندیدها در انتخابات امسال اجرا می شود



رئیس کل دادگستری گلستان از تمرکز ویژه بر رصد هزینه های انتخاباتی کاندیدها در انتخابات پیش رو خبر داد. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی اظهار کرد: قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت های انتخاباتی در این انتخابات به صورت خاص در دستور کار قرار گرفته و بناسد تکالیف و جرایمی که در راستای این قانون برای نامزدهای انتخاباتی و دستگاه های ذیربط ایجاد شده است به طور جدی مورد رصد و نظارت قرار گیرد. رئیس کل دادگستری گلستان به برگزاری نشست استانی با حضور همه ستادهای پیشگیری شهرستانی در آینده نزدیک اشاره کرد و افزود: در این نشست هماهنگی بین ستادهای شهرستانی استان در موضوعات مربوط به پیشگیری، مقابله و نظارت برای پیشگیری از جرایم و تخلفات و فراهم کردن بستر برای انتخابات سالم را دنبال می کنیم. حمیدرضا بهمنی نژاد رئیس هیئت نظارت بر انتخابات گلستان هم گفت: در مرحله پیش ثبت نام ۹۶۰ نفر در استان متقاضی شدند که مدارک این افراد از سوی سازمان ثبت احوال، فراجا، دادستانی کل کشور، وزارت امور خارجه، سازمان امور استخدامی و وزارت علوم در حال بررسی است. بهمنی نژاد افزود: از ۲۳ شهریور ماه برای متقاضیانی که توسط این ۶ دستگاه مدارک آنان تأیید شده باشد، از سوی وزارت کشور کد رهگیری ارسال می شود. وی گفت: متقاضیانی که کد رهگیری دریافت می کنند برای ثبت نام اصلی انتخابات مجلس شورای اسلامی که از ۲۷ مهر به مدت یک هفته خواهد بود، مجوز دارند.

آگهی برگزاری ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

- موضوع مناقصه: عملیات احداث بخشی از زهکش اصلی و سیلابر ناحیه ۲ زهکشی اراضی اولویتدار - ناحیه دو زهکش اصلی بند ولی محدوده کیلومتر ۱۱+۷۸۰ الی ۱۴+۲۸۰
- دستگاه مناقصه گزار: موسسه حیات سبز - هلدینگ نیرو - قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص)
- نشانی محل تحویل اسناد: دفتر مرکزی - تهران - خیابان خالد اسلامبولی (وزرا) - خیابان بهمن کشاورز (هفتم) - پلاک ۱۹ - موسسه حیات سبز
- دفتر پروژه: استان گلستان - شهرستان آق قلا - روستای دوگونچی - جنب پمپ بنزین - شماره تماس: ۰۹۱۶۵۵۵۱۵۸۳ - کد پستی: ۴۹۳۱۱۱۳۱۴۱
- ارائه اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ الی ۱۴۰۲/۰۷/۰۱
- مهلت تحویل پاکات: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸
- تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰
- سپرده شرکت در مناقصه: ۲۲,۱۸۸,۷۵۹,۴۵۴ ریال
- مناقصه گران محترم می بایست حداقل دارای رتبه ۵ در دسته آب بوده و ملزم به ارائه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاری به همراه اسناد مناقصه می باشند.
- تلفن: ۸۸۵۵۲۵۸۰ و ۸۸۵۵۲۵۹۰ - داخلی ۳۳۱۲

آگهی برگزاری ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)

- موضوع مناقصه: عملیات احداث بخشی از زهکش اصلی و سیلابر ناحیه ۲ زهکشی اراضی اولویتدار - ناحیه دو زهکش اصلی بند ولی محدوده کیلومتر ۱۱+۷۸۰ الی ۱۴+۲۸۰
- دستگاه مناقصه گزار: موسسه حیات سبز - هلدینگ نیرو - قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص)
- نشانی محل تحویل اسناد: دفتر مرکزی - تهران - خیابان خالد اسلامبولی (وزرا) - خیابان بهمن کشاورز (هفتم) - پلاک ۱۹ - موسسه حیات سبز
- دفتر پروژه: استان گلستان - شهرستان آق قلا - روستای دوگونچی - جنب پمپ بنزین - شماره تماس: ۰۹۱۶۵۵۵۱۵۸۳ - کد پستی: ۴۹۳۱۱۱۳۱۴۱
- ارائه اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ الی ۱۴۰۲/۰۷/۰۱
- مهلت تحویل پاکات: ۱۴۰۲/۰۷/۰۸
- تاریخ بازگشایی پاکات: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰
- سپرده شرکت در مناقصه: ۲۱,۶۷۶,۹۴۷,۶۰۲ ریال
- مناقصه گران محترم می بایست حداقل دارای رتبه ۵ در دسته آب بوده و ملزم به ارائه گواهی صلاحیت ایمنی پیمانکاری به همراه اسناد مناقصه می باشند.
- تلفن: ۸۸۵۵۲۵۸۰ و ۸۸۵۵۲۵۹۰ - داخلی ۳۳۱۲

